

طراحی و تدوین الگوی مساله‌شناسی در سیاست‌گذاری امنیتی مبتنی بر منظومه فکری آیت الله العظمی سید علی خامنه‌ای (مدظله العالی)

مهدی اقراریان^۱

حمید پیشگاه هادیان^۲

غلامحسین بلندیان^۳

اکبر اشرفی^۴

چکیده

امروزه فرآیند عمومی سیاست‌گذاری امنیتی، یکی از موضوعاتی است که در تمامی کشورها، هم‌زاد با سیاست و آیین‌های کشورداری بوده و از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و بسیاری از کشورهای دنیا، اهمیت تعیین این فرآیند را به‌خوبی درک کرده و با فراهم آوردن شرایط مناسب، جایگاه ویژه‌ای را برای سیاست‌گذاری‌های امنیتی تدارک دیده‌اند. اما طرح مسأله امنیتی به‌سادگی امکان‌پذیر نیست، بلکه این امر مستلزم توجه به مبانی و ارکان تحلیلی امنیت در هر سیستم می‌باشد. بدین منظور و با عنایت به لزوم مساله‌شناسی در سیاست‌گذاری امنیتی، پژوهش حاضر با هدف ارائه نظریه بومی مساله‌شناسی در سیاست‌گذاری امنیتی مبتنی بر منظومه فکری رهبر معظم انقلاب اسلامی به رشته تحریر درآمده و از بیانات، نامه‌ها، احکام و فرامین رهبری در جهت راهیابی به الگوی مساله‌شناسی در سیاست‌گذاری امنیتی که مرجع فکری این موضوع هستند استفاده گردیده است. در این راستا، بیانات معظم‌له در حوزه موضوع تحقیق به روش تمام‌شمار مطالعه و با ۲۰ نفر از نخبگان و صاحب‌نظران موضوع تحقیق مصاحبه گردید. متن‌های مکتوب موجود و مصاحبه‌های صورت‌گرفته پس از تحلیل با روش استقرایی در کنار یکدیگر قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: مساله‌شناسی، الگوی مساله‌شناسی، سیاست‌گذاری امنیتی، منظومه فکری امام خامنه‌ای (مدظله العالی).

۱. گروه سیاست‌گذاری عمومی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. گروه روابط بین‌الملل، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

ham.pishguahadian@iauctb.ac.ir

۳. گروه علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۴. گروه علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

مقدمه

امروزه سیاستگذاری امنیتی یکی از مهمترین وظایف دولت‌ها در راستای تأمین امنیت در تمامی حوزه‌ها زمینه‌ها بشمار می‌آید. سیاستگذاری امنیتی ناظر بر خط مشی‌های حاکم بر روندهای تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در حوزه‌های مرتبط با امنیت ملی است (رضوی نژاد، ۱۳۹۹: ۴). بدین لحاظ حوزه‌های سیاست داخلی و خارجی و عرصه‌های نظامی، اطلاعاتی، اقتصادی، مدیریتی و حتی فرهنگی و اجتماعی با مقوله سیاستگذاری امنیتی ارتباط وثیق می‌یابند؛ در این میان، نیاز به امنیت، مقوله‌ی اجتماعی است. امنیت فراتر از ذهنیت محض، تابعی عینی است که از اوضاع اجتماع (در کلیت آن) و نوع و مقدار پدیدارهای نظم زدا، نشأت می‌گیرد. تبعیت امنیت مجموعه روابط جمعی هر واحد هویت دار اجتماعی، اثبات اجتناب ناپذیری «سیالیت و پویایی» امنیت در بستر زمان و مکان است و از بطن اجتماع و محیط زیست انسانی برمی‌خیزد، تهدید می‌شود و چهره عوض می‌کند. در چنین پهنه‌ای از تحلیل اجتماعی و هستی‌شناسانه امنیت، نیاز به انسان‌شناسی امنیت نیز عرض اندام نموده و خود جلوه‌هایی خاص از این مقوله را به همراه داشته است: امنیت بیش از آنکه «از» و «برای» ساختارهای مجازی قدرت در اجتماع باشد، مولود روابط بین انسانی و ناظر بر فراهم‌سازی محیط و شرایطی است که بشر تعالی و کمال خود را از رهگذر مسیری که در اجتماع به روی وی گشوده شده، به مناسب‌ترین وجه دنبال نماید (ساعد، ۱۳۸۹: ۱۱۱). در این صورت امنیت انسانی (بر خلاف مرکز ثقل امنیت در مکتب کپنهاگ) جایگزین یا عرصه‌ای موازی با امنیت سنتی می‌گردد که هم فلسفه و غایتی مختص به خود دارد و هم هنجار (نرم‌ها) و بایسته‌هایی متفاوت به همراه می‌آورد (ساعد، ۱۳۸۹: ۱۱۲).

از آنجاکه تعیین سیاست‌های کلان کشور به موجب اصل ۱۱۰ قانون اساسی بر عهده رهبری است، سیاستگذاری امنیتی در کشور ضرورتاً باید ملهم از اندیشه و سیاست‌های رهبری در باب مسائل امنیتی باشد. به این منظور، پژوهش حاضر با هدف پر کردن چنین خلأ و ضرورتی با عنایت به اینکه طرح و توصیف یک مسأله نقطه آغازین که شاید مهم‌ترین نقطه یک سیاست‌گذاری است، در صدد طراحی و تبیین الگوی مسأله‌شناسی در سیاستگذاری امنیتی در اندیشه آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای (مدظله العالی) بر آمده است. متناسب با چنین هدفی، استراتژی نظریه‌پردازی داده‌بنیاد به‌عنوان روش تحقیق انتخاب گردیده است. به این منظور با

بررسی کیفی تمامی جامعه آماری شامل بیانات، سیاست‌های ابلاغی، پیام‌ها، احکام و نامه‌های معظم از نیمه خرداد ۱۳۶۸ تا کنون (۱۴۰۰) پرداخته شد. الگوی نهایی پژوهش ضمن بنیادین بودن، می‌تواند به‌موجب قانون اساسی به‌عنوان سند راهنمای تدوین سیاست‌های کلان امنیتی جمهوری اسلامی ایران توسط نهادهای مسئول مورد توجه قرار گیرد.

۱. پیشینه‌شناسی پژوهش

حیب زاده (۱۳۹۸) در مقاله «ابعاد امنیت از منظر امام خامنه‌ای (مدظله العالی)» تلاش دارد با تحلیل گفتمان و با رویکرد استنباطی و به صورت تمام شمار، بیانات معظم له را بررسی نموده و ابعاد امنیت را احصاء نماید. در این راستا از بررسی، واکاوی و تحلیل فرمایشات امام خامنه‌ای (مدظله العالی) چنین نتیجه گرفته شده که ابعاد امنیت را می‌توان در شش بُعد فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، دفاعی-امنیتی و زیست محیطی سازمان دهی کرد. این ابعاد به هم مرتبط بوده و تهدید یا وجود آسیب در هر یک از آن‌ها، سایر ابعاد را متأثر خواهد نمود.

موسوی و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله «مرجع امنیت ملی در اندیشه‌ی فقهی آیت‌الله خامنه‌ای» و در پاسخ به مرجع امنیت ملی از منظر فقهی آیت‌الله خامنه‌ای بر این نظرند که به ترتیب سه موضوع اسلام، ثبات کشور و استقلال، دارای اهمیت بیشتر بوده و از بین این موارد، اسلام، چه در قالب ایمان و باور ملی و چه ایدئولوژی نظام سیاسی، دارای اولویت بیشتر و مرجع امنیت ملی از منظر رهبر انقلاب اسلامی است و دو موضوع دیگر نقشی مقدماتی و اجتناب‌ناپذیر نسبت به آن دارند.

برزگر و رضایی (۱۳۹۵) در مقاله «راهبرد دفاعی ایران از منظر آیت‌الله خامنه‌ای» ضمن بررسی شناخت ابعاد علمی و نظری تفکر راهبردی آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی) از منظر مکتب رئالیسم سعی در پاسخ به این سؤال دارند که آیا مکتب رئالیسم از توانایی و ظرفیت لازم برای تبیین انگیزه‌ها، اهداف، تصمیم‌ها، رفتارها و رویکردهای رهبری در مقام فرماندهی کل قوای مسلح در جمهوری اسلامی ایران برخوردار است؟ نویسندگان معتقدند فرامین و اندیشه‌های دفاعی آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی) غالباً مبتنی بر افزایش «امنیت نسبی» و نه «قدرت نسبی» است؛ که به شکلی واقع‌گرایانه بازتعریف و بر مبنای ملاحظات اخلاقی (اسلامی) صورت بندی شده است. بر این اساس، اهداف و راهبردهای نظامی آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی) عموماً

در راستای فعال سازی الگوهای معطوف به بازدارندگی فعال و مهار چالش های ناشی از بروز تحولات جدید در مناطق فوری امنیتی کشور است.

رضوی نژاد و ملک محمدی (۱۳۹۷)، در مقاله «درآمدی تحلیلی بر مسئله شناسی در سیاستگذاری امنیتی» به روش توصیفی تحلیلی، ضمن تبیین تعریف، رهیافت ها، مراجع و پیشران های امنیتی بعنوان ملزومات اولیه در سیاستگذاری امنیتی، به ضرورت و اهمیت، مجریان، شیوه و روش اقدام در فرآیند مسئله شناسی امنیتی پرداخته اند.

به رغم انجام تحقیقات متعدد، نوشتاری که مستقیماً به مساله شناسی سیاستگذاری امنیتی مبتنی بر منظومه فکری رهبری پرداخته باشد یافت نشد و به جرأت می توان گفت که تحقیق حاضر تلاش دارد برای اولین بار در این زمینه تولید محتوا نماید.

۲. ادبیات نظری

۲-۱. سیاستگذاری امنیتی و ساختار آن

فرآیند عمومی سیاستگذاری امنیتی، یکی از موضوعاتی است که در تمامی کشورها، همزاد با کشورداری بوده و از اهمیت ویژه ای برخوردار است و بسیاری از کشورهای دنیا، اهمیت تعیین این فرآیند را به خوبی درک کرده و با فراهم آوردن شرایط مناسب، جایگاه ویژه ای را برای سیاستگذاری های امنیتی، به خوبی تدارک دیده اند نکته اساسی در فرآیند سیاستگذاری امنیتی، توجه به ملاحظات امنیتی است که دارای تأثیر مستقیم در این فرآیند می باشد. یعنی نخست: امنیت کمتر تعریف پذیر بوده و بیشتر توصیف پذیر است. دوم: امنیت بیشتر از آنکه مربوط به عینیت های بیرونی باشد، مربوط به حوزه ادراکی است و مرکز شکل گیری و تکوین امنیت در حوزه ادراک و تصورات است. سوم: امنیت موضوعی دفعی نبوده و دفعاً تولید نمی شود، بلکه ساختی بوده و طی مراحل انجام می شود. به عبارت دیگر؛ امنیت، هم تدریجی است و هم ساختی. همچنین فرآیند عمومی سیاستگذاری به معنای عام و سیاستگذاری در رابطه با امنیت به طور خاص در تمامی کشورها از ضرورت های اجتناب ناپذیر بوده و هست. در همین راستاست که هر کشور متناسب با ارزش ها، آرمان ها، اهداف و مصالح ملی خود، مبادرت به تعیین فرآیندهای لازم و مناسب جهت سیاستگذاری امنیتی می نماید.

تعریف جامعی از سیاستگذاری امنیتی بدین شرح است: « سیاستگذاری امنیتی ناظر بر

خط مشی‌های حاکم بر روندهای تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در حوزه‌های مرتبط با امنیت ملی است. بدین لحاظ حوزه‌های سیاست داخلی و خارجی و عرصه‌های نظامی، اطلاعاتی، اقتصادی، مدیریتی و حتی فرهنگی و اجتماعی با مقوله سیاست‌گذاری امنیتی ارتباط وثیق می‌یابند. سیاست‌گذاری امنیتی، شباهت‌های زیادی با سیاست‌گذاری عمومی دارد و آن بخش خط مشی عمومی که ناظر بر حمایت و گسترش ارزش‌های حیاتی ملی علیه تهدیدهای موجود و بالقوه است، و یا آن دسته از سیاست‌های ملی که عمدتاً برای دستیابی به مقاصد امنیت ملی را راهنمایی می‌کند، خط مشی امنیت ملی می‌نامند. بنابراین، چنانچه دولتی به دلایل مختلف از جمله: کمبود منابع، ضعف نیروی انسانی یا پایین بودن تجربه و دانش اداری، نتواند مشکلات اساسی کشور را شناسایی و آنها را کاهش دهد یا حل نماید، زمینه رشد آسیب‌های دیگر و تهدیدها را فراهم می‌نماید. لذا در مورد آنچه در حوزه سیاست‌گذاری امنیت ملی قابل طرح است، برخی معتقدند: به‌طور کلی، نگاه نظریات امنیتی به حوزه سیاست‌گذاری در دو بخش: طرح مسئله امنیتی و روش حل مسئله امنیتی، خلاصه می‌شود.

سیاست‌گذاری امنیتی دارای چهار مولفه مهم است که عبارتند از: بسترها، ساختارها، فرآیندها و بازیگران و یا کارگزاران».

مولفه اول: در آن به هشت بستر اشاره شده و مورد توجه قرار می‌گیرد: زمینه تاریخی، فرهنگ سیاسی و خصوصیات ملی، منابع انسانی، وضعیت جغرافیایی، نظام اجتماعی، افکار عمومی، نظام اقتصادی، ایدئولوژی سیاسی.

مولفه دوم: در سیاست‌گذاری امنیتی (ساختار)، باید ابتدا نوع ساختار سیاسی را مشخص کرد. زیرا سیاست‌گذاری در یک نظام فدرال با یک نظام بسیط و... متفاوت است.

مولفه سوم: در سیاست‌گذاری امنیتی (فرآیندها).

مولفه چهارم: در سیاست‌گذاری امنیتی، نهادهای مؤثر در تصمیم‌گیری (هلد، ۱۳۶۹، ۳۱۳-۳۱۲).

برای تشریح ساختار سیاست‌گذاری امنیتی، ابتدا باید نوع ساختار سیاسی را مشخص کرد. زیرا سیاست‌گذاری در یک نظام فدرال با یک نظام بسیط، متفاوت است. سپس باید دید آیا در حکومتی که سیاست‌گذاری می‌کند، تفکیک قوا، به وحدت رویه سیاست‌گذاری یا به توازن کارکردهای مختلف حکومتی منجر شده است؟ و در نهایت: آیا در آن نظام اجتماعی، نظام

حزبی وجود دارد؟ و اگر وجود دارد، از چه نوعی است؟ در عین حال، اینکه نظام مطبوعاتی به چه نحوی است، حزبی است، عمومی است یا حکومتی است و ... بسیار مهم بوده و اینجاست که تفاوت نظام های کثرت گرا یا نظام های اقتدار گرا اهمیت می یابد و این مسئله حتی در سیاست گذاری این نظام تأثیرگذار است (صفری، ۱۳۹۰، ۱۷۲-۱۷۱ و ۱۷۵).

در سیاست گذاری امنیتی، اگر سیاست گذاری را در وهله اول، شناسایی و مسائل نیازها و سپس مداخلات هدفمند، آگاهانه و سنجیده انسانی در مسیر حوادث و فرآیند ها بدانیم که نتیجه آن ممکن است موفقیت آمیز، با موفقیت نسبی یا بدون موفقیت باشد بر این اساس، سیاست گذاری امنیتی را نیز می توان شناسایی و مسائل و مشکلات به همراه کوشش آگاهانه، سنجیده و سازمان یافته دولت (نظام سیاسی) برای ایجاد تغییر در وضع موجود، کنترل و مدیریت آسیب ها و تهدید ها و دستیابی به اهداف مطلوب در حوزه امنیتی دانست که با هماهنگ سازی عناصر مختلف قدرت ملی و به کار گیری مناسب آن میسر می شود. لذا برخی، فرآیند سیاست گذاری امنیت ملی که نمی توان آن را فارغ از فرآیند عمومی سیاست گذاری امنیتی دانست، در قالب پنج مرحله ترسیم کرده اند: «۱. تعیین آرمان های ملی»، «۲. تعیین منافع امنیت ملی»، «۳. تعیین اهداف امنیت ملی»، «۴. تعیین سیاست های دفاعی و امنیتی» و «۵. تدوین استراتژی امنیت ملی».

در مرحله تدوین استراتژی امنیت ملی، سیاست گذاران سعی می نمایند تا با تهیه طرح های استراتژیکی، زمینه های لازم را برای به کار گیری منابع، امکانات و عوامل مختلف قدرت ملی به روش های علمی در جهت پشتیبانی از سیاست امنیت ملی فراهم سازند. صدور راهنمای سیاسی - امنیتی طرح ریزی آخرین مرحله سیاست گذاری های امنیتی در سطح ملی است. راهنمای سیاسی - امنیتی حدود اختیارات، چهارچوب تصمیمات و اطلاعات مورد نیاز تصمیم گیری های اجرایی را در اختیار مدیران میانی قرار می دهد (تهامی، ۱۳۷۶، ۱۶۹).

برخی از مشکلات مفهومی ساختاری و فرآیندی سیاست گذاری در حوزه امنیتی عبارت اند از: ۱. مشکلات مفهومی ساختاری، شامل: نبود تعریفی مشخص از سیاست های امنیتی، رفتار نامتقارن در عرصه امنیت ملی، پیچیده بودن ساختار امنیت ملی کشورها، بی ثباتی تصمیم گیری امنیت ملی، جزئی نگری و عدم آینده نگری در موضوعات امنیتی، عدم مشارکت موثر مردم در تصمیمات امنیتی؛ ۲. مشکلات مفهومی فرآیند سیاست گذاری امنیت ملی، شامل: فرآیند شش گانه سیاست گذاری که در ساختار سیاست گذاری برخی کشورها مشخص نیست، بی توجهی

دستگاه‌های تصمیم‌گیری به برخی نظرات کارشناسی، و سومین مشکل عدم یادگیری و درس‌آموزی از گذشته است. به طور کلی سخن از گزاره‌هایی همچون، روند سیاست امنیت ملی و تصمیم‌گیری امنیت ملی شیوه رایج و معمول است. ما می‌توانیم بگوییم که سیاست‌گذاری یعنی حق انتخاب، اما مهم است که از همان ابتدا لفظ جمع را بکار ببریم و نه مفرد، و بگوییم روندهای متعدد سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری تنوع و پیچیدگی در تصمیم‌گیری‌ها مشخص می‌سازد که سیاست‌گذاری امنیت ملی گسترده و ناهمگون است و نهادهای مختلفی در این تصمیم‌گیری‌ها نقش دارند (شولتز و دیگران، ۱۳۹۴، ۲۳۵ - ۲۳۶).

۲-۲. مسأله امنیتی

نقطه آغازین که شاید مهم‌ترین نقطه یک سیاست‌گذاری است طرح و توصیف یک مسأله است. مسأله عبارت است از یک مشکل، معضل یا نیاز که صرف نظر از وجود عینی و خارجی، در یک فرآیند ادراکی و اجتماعی، بر حسب مسأله برآن زده شده است (پارسونز، ۱۳۸۵، ۱۶۵). تحلیل‌گران نیز اغلب با هم اختلاف نظر دارند برخی از آنها می‌گویند جامعه جدید بیش از جوامع ساده‌تر، مسأله تولید می‌کند. عده‌ای نیز با این نظر مخالف‌اند. بعضی می‌گویند راه حل‌هایی که جامعه جدید تولید می‌کند از تعداد مسائل ایجاد شده کمتر است، اما دیگران، مدعی‌اند مشکل واقعی اضافه تولید همین به اصطلاح راه حل‌هاست. به عبارتی بسیاری سعی دارند دریابند این مسائل چگونه پدید می‌آیند؟ و چطور می‌توان آنها را مهار کرد؟

برخی شرایط، که ما آنها را مسائل اجتماعی می‌نامیم در زمان‌های پیش، چنین تلقی نمی‌شدند برخی موارد که اجداد ما آنها را مسأله می‌خوانند امروزه بی‌هیچ پرسشی پذیرفته شده‌اند. برخی شرایط را که در حال حاضر از آنها چشم می‌پوشیم، بی‌تردید در آینده مسأله اجتماعی محسوب خواهند شد. احتمالاً بعضی چیزها، صرف نظر از طبیعت دشوارشان، هرگز مسأله اجتماعی تلقی نشده و نخواهند شد (کوثرنژاد، ۱۳۹۴، ۵۳ - ۵۴).

جامعه‌شناسان معمولاً در بررسی مسائل اجتماعی، معمولاً به وضعیت‌هایی که فقط از نظر اجتماعی مشکل‌آفرین و مضر بوده و مردم آنها را مسأله تلقی کرده‌اند، توجه می‌کنند (Manis, 1974, Thio, 1973).

برای تعریف مسئله امنیتی، با کندوکاو محیطی بر مبنای به کارگیری تکنیک‌های تحلیل،

اطلاعات و داده های موجود در محیط دریافت، تجزیه و تحلیل می شود. (رضوی نژاد؛ ملک محمدی، ۱۳۹۷، ۲۹۲).

مسئله امنیتی در واقع همان تهدیدات عینی است یا مسئله امنیتی، مسئله ای است که با ارزش های اساسی یک سیستم درگیر می شود. اما برخی معتقدند مسئله امنیتی تنها به پدیده ها، حوادث و رفتارهای بیرونی ارتباط ندارد و اساساً صرف چنین ارتباطی صابل توضیح نیست بلکه درک و تلقی بازیگران امنیتی از یک پدیده به علاوه اعلام امنیتی بودن یک مسئله از سوی آنها و نهایتاً پذیرش مخاطبان، حلقات شکل گیری یک مسئله امنیتی است (گروه مطالعات امنیت، ۱۳۸۷: ۶۳).

برخی از مسائل امنیتی پدیده هایی تک وقوع و یک باری هستند و پس از حل شدن، مجدداً پدید نمی آیند. برخی دیگر به شکلی ماهوی، رجعت پذیر و پایان ناپذیرند و در زمان های مختلف، با اشکال، شدت و شیوه های متنوع بروز پیدا می کنند. این گونه مسائل نیازمند سیاست گذاری های بلندمدت، پویا و به روزند. (رضوی نژاد؛ ملک محمدی، ۱۳۹۷، ۲۹۲). زمانی که مسئله ای امنیتی پیش می آید، آن مسئله از سوی فرد یا گروه به شیوه خاص درک و بر آن اساس تعریف می شود. پس، تعریف مسئله عبارت است از بیان برخی واقعیات و انجام قضاوت ارزشی درباره آن (Roger: 1984, 122).

۲-۳. مسئله شناسی امنیتی

تلاش انسانها در راستای تأمین امنیت، از جمله علل و زمینه های تأسیس دولت به شکل کنونی است. از سوی دیگر، بقای دولت ها نیز به تأمین و برقراری امنیت وابسته است. بنابراین، از آنجاکه کار سیاستگذاری بسامان کردن امور است، سیاستگذاری امنیتی از ملزومات حیاتی و زیربنایی برای دولت محسوب می شود. در این راستا، به منظور گام برداشتن در فرایند سیاستگذاری امنیتی، مطابق با اشتراک نظر اندیشمندان سیاستگذاری در خصوص شناخت مسئله به عنوان گام نخست، ضرورتاً به شناخت مسئله امنیتی پرداخته می شود. اگر این مرحله به درستی انجام نپذیرد، سایر مراحل نیز دچار انحراف و مشکل خواهند شد و چه بسا خود، منجر به ایجاد مسئله یا بحران امنیتی شود. در شناسایی مسائل امنیتی ضرورتاً می بایست تعریف، چارچوب، رهیافت و رویکرد امنیتی مطلوب ارائه و تبیین شود، چراکه ممکن است

شاخص مسئله امنیتی در یک رویکرد با رویکرد دیگر متفاوت باشد و منجر به سیاستگذاری و اقدامات متفاوتی شود و گاه سرنگونی نظام را به دنبال داشته باشد. بر همین اساس در شناخت مسئله، لازم است اهمیت مسأله، بازیگران، تصمیم گیرندگان، امکانات و تجهیزات و روش های مورد استفاده، اهداف، عوامل و پیش زمینه ها، چگونگی تعریف و انتقال مسئله، چارچوب و محدودیت ها و در نهایت راه کارهای پیشنهادی، شناسایی و مشخص شوند (رضوی نژاد و ملک محمدی، ۱۳۹۷: ۲۷۹ و ۲۹۴).

۲-۴. اهمیت شناخت مسأله در سیاستگذاری امنیتی

سیاستگذاری امنیتی، در وهله نخست، به دنبال درک مسئله امنیتی، تمرکز بر آن و سپس، یافتن راه حل مناسب است. یافتن مسئله و شناخت آن اهمیت ویژه ای دارد؛ زیرا مسئله ای که دیده نشود یا نادرست دیده شود، هر دو در حکم شناخته نشدن است. مسئله های که شناخته نشود، حل نمی شود و اگر حل نشود ممکن است به بحران تبدیل شود. مسائل، در ابتدای راه، ممکن است با تمهیداتی ساده و کم هزینه حل شود اما زمانی که به بحران انجامید، حل آنها دشوار و با هزینه بسیار خواهد بود. (رضوی نژاد؛ ملک محمدی، ۱۳۹۷: ۲۸۷)

در مسیر فاجعه شدت مسئله در هر مرحله، از مرحله قبلی بیشتر است و هزینه های مادی و معنوی آن در بسیاری از موارد با تناسب هندسی افزایش می یابد.

فاجعه > بحران > معضل > مشکل > مسئله >>> دغدغه

(ملک محمدی، ۱۳۹۴: ۱۹)

حرکت از دغدغه به فاجعه ممکن است در میانه راه وارد حوزه های دیگر هم بشود و برای مثال، چهر های اقتصادی، اجتماعی و... به خود بگیرد. البته باید توجه داشت که سیاست گذاری الزاما برای حل مشکل ایجاد نمی شود، بلکه گاهی لازم است تا برای بهتر شدن وضعیت در یک زمینه، تطابق با شرایط جدیدی که به وجود آمده است یا احتمال دارد به وجود آید، و یا حتی رفع برخی نیازها، سیاس تهایی وضع شود. این سیاست ها باید دارای برخی ویژگی ها از جمله وضوح سیاست، قابلیت اجرا، انعطاف پذیری و جامعیت باشد (رضائیان، ۱۳۶۹: ۱۰۶).
 بنجامین فرانکلین (۱۷۵۸) در اهمیت شناخت مسئله می گوید: به خاطر یک میخ نعل از دست رفت. به خاطر یک نعل، اسب از دست رفت. به خاطر یک اسب، سوار

از دست رفت. به خاطر یک سوار، نبرد از دست رفت. به خاطر یک نبرد، پادشاهی از دست رفت و همه‌ای آنها به خاطر یک میخ نعل اسب بود (شافریتز، ۱۳۹۰: ۱۲۵).

۲-۵. امنیتی شدن مسأله از منظر آیت‌الله سید علی خامنه‌ای (مدظله العالی)

مقام معظم رهبری تهدیدات امنیتی را دارای درجات متفاوت می‌داند:

«البته، امنیت مثال‌های مهم‌تر و مثال‌های کم‌اهمیت‌تر هم دارد مثال ناامنی که همه‌آحاد مردم ممکن است در زندگی روزمره خودشان، یا با آن برخورد کرده باشند، چیزهایی است که اگرچه حائز اهمیت است، اما آن چنان از تهدیدکننده نیست مثل سرقت‌ها که البته دستگاه‌ها باید جلو این‌ها را بگیرند. سرقت، مقوله‌ای است که دستگاه‌های انتظامی باید با جدیت مقابل آن بایستند. عده‌ای برای اهداف پست و حقیر خودشان امنیت خانواده‌ها را به هم می‌زنند. این یک مثال برای ناامنی است؛ اما یک مثال درجه اول نیست. ناامنی از قتل انسانهای لایبالی و شرور و اوباش و اراذل که طبعاً شرارت دارند و محیط زندگی را ناامن می‌کنند؛ این هم ناامنی است... از همه اینها بالاتر، ناامنی اجتماعی است که در حقیقت ناامنی ملی، بیشتر متوجه به این نمونه است، محیط‌های کار را ناامن می‌کنند؛ محیط‌های علمی را ناامن می‌کنند؛ محیط‌های دانشجویی را ناامن می‌کنند؛ این که من قبلاً هم اشاره کردم مقام آمریکایی در یک ماه قبل از این، خبر داد که در ایران ناامنی وجود خواهد داشت، این ناامنی است. اینها برنامه‌هایی دارند. بایستی، هم‌آحاد مردم هوشیار باشند، هم کسانی که بیشتر در آماج توطئه اینها هستند... مثل همان وضعیتی که در ۲۱ و ۲۲ تیرماه سال ۷۸ در تهران پیش آوردند؛ جان انسان‌ها، جان حیوانات و کودکان، جان زنان، جان رهگذران جان آن کسی که پشت پنجره اتاقش نشسته، در معرض تهدید قرار گیرد». (بیانات مقام معظم رهبری در اجتماع زائران و مجاوران حضرت رضا (ع) در مشهد مقدس، ۱۳۷۹/۱/۶).

ایشان در دو بعد تهدیدهای درونی و بیرونی، مطالبی بیان فرمودند که کدام تهدیدها تبدیل به مسأله امنیتی می‌شوند:

الف) تهدیدهای درونی

۱. فرهنگی: اباحه‌گری و فساد اخلاقی، غرب زدگی، دوری از معنویت، اخلاق و تهذیب،

پیدایش فرقه‌های نوظهور، رشد خرافات، بدعت و سطحی‌نگری، شکاف فرهنگی نسل‌ها، انحراف در سیستم آموزشی، رکود علمی و عدم خلاقیت، تحجر و جمود فکری.

۲. سیاسی: تکثر بی‌رویه احزاب و جریانات سیاسی، گرایش به سازش با آمریکا، تحرکات مشکوک احزاب و جریانات سیاسی وابسته، تفرقه و اختلاف در کارگزاران، بی‌اعتمادی مردم به مسئولان، تقویت و گسترش خط نفوذ و استحاله در مراکز حساس و کلیدی نظام.

۳. اقتصادی: رشد نرخ بیکاری، تورم و گرانی، وابستگی صنایع کلیدی و کشاورزی به بیگانگان، فشار اقتصادی و مالیاتی به اقشار کم‌درآمد، ارتشاء، ربا، اختلاس، تجمل‌گرایی و اسراف.

۴. اجتماعی: فساد اداری، ناهنجاری‌های اخلاقی، قاچاق، مواد مخدر، عدم نظارت عمومی بر عملکردها.

۵. مدیریتی: باندبازی و رانت خواری، ضعف مدیریت، قدرت‌طلبی، بی‌توجهی به مطالبات مشروع و منطقی و قانونی مردم.

ب) تهدیدهای بیرونی

۱. گسترش حوزه نفوذ نظامی سیاسی آمریکا و اتحادیه اروپا و پیمان نظامی ناتو در خاورمیانه، جهان اسلام، آسیای میانه و قفقاز شمالی خصوصاً در کشورهای همسایه ایران اسلامی.

۲. تحرکات سیاسی، نظامی و تبلیغاتی و طرح‌های سلطه‌طلبانه رژیم صهیونیستی در خاورمیانه.

۳. حمایت مالی و تبلیغاتی و تسلیحاتی گروه‌های تروریستی توسط آمریکا در کشورهای همسایه ایران.

۴. تلاش‌های مرموزانه و منافقانه پنهان و آشکار دولت‌های وابسته در خاورمیانه برای نفوذ و تقویت صهیونیسم و آمریکا در منطقه.

۵. جاسوسی سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی درباره توانایی و امکانات و استعدادهای درونی نظام و بهره‌گیری از رسانه‌ها در جنگ روانی و تبلیغاتی جهت فریب افکار عمومی (شیدائیان، ۱۳۸۸: ۶۷-۶۶).

۳. روش شناسی تحقیق

روش پژوهش نظریه پایه‌ور (داده‌بنیاد) یکی از پرکاربردترین روش‌های نظام‌مند تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی است که قادر است تا مفاهیم نهفته در ورای داده‌ها را استخراج کرده و با کشف روابط بین آن‌ها به نظریه‌هایی دست یابد که چگونگی و چرایی پدیده‌ها را توضیح می‌دهد (حسینقلی‌زاده و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۶۲).

نظریه‌پردازی داده بنیاد، یک روش شناسی «استقرایی» کشف نظریه است که این امکان را برای پژوهشگر فراهم می‌آورد تا گزارشی نظری از ویژگی‌های عمومی موضوع پرورش دهد، در حالی که به‌طور هم‌زمان، پایه این گزارش را در مشاهده‌های تجربی داده‌ها محکم می‌سازد. از جهتی، نظریه‌پردازی داده‌بنیاد نشان‌دهنده همان عملی است که بسیاری از پژوهشگران، در هنگام مرور گذشته انجام می‌دهند، آن‌ها برای سازگار شدن با داده‌ها، فرضیه‌های جدیدی شکل می‌دهند (بختیاری، ۱۳۹۵: ۹۹). با این حال، در نظریه‌پردازی داده‌بنیاد، پژوهشگر وانمود نمی‌کند که فرضیه‌ها را پیشاپیش تدوین کرده است؛ زیرا پژوهشگران از فرضیه‌های از پیش شکل گرفته، منع می‌شوند (دانایی‌فرد، ۱۳۸۶: ۷۶).

با توجه به ویژگی‌های برشمرده شده از روش تحلیل داده‌بنیاد برای انجام تحقیق حاضر استفاده گردید. همچنین در این پژوهش، به‌منظور تجزیه و تحلیل داده‌های به‌دست‌آمده از فرآیند ۳ مرحله‌ای کدگذاری باز، محوری و انتخابی استفاده شده است. جامعه آماری تحقیق نیز عبارتند از: الف) بهره‌گیری از بیانات حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) از سال ۱۳۶۷ (سالی که مقام معظم رهبری به ولایت رسیدند) تا ۱/۰/۱۳۹۹؛ ب) تعداد ۲۰ نفر از خبرگان، جهت انجام نظرسنجی طی مراحل؛ کدگذاری باز و محوری و ج) تعداد ۱۱۰ نفر از خبرگان و صاحب‌نظران برای تکمیل پرسشنامه.

۴. تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های تحقیق

۴-۱. کدگذاری باز

کدگذاری باز، جزئی از تحلیل است که با تحلیل دقیق داده‌ها، نام‌گذاری و طبقه‌بندی کردن داده‌ها، انجام می‌شود. برای طبقه‌بندی دقیق مفاهیم در مقوله‌ها، باید هر مفهوم، بعد از تفکیک برچسب بخورد و داده‌های خام به‌وسیله بررسی دقیق متن مصاحبه‌ها و یادداشت‌های زمینه‌ای،

مفهوم‌سازی شوند. داده‌ها، جمع‌آوری شده از مبانی نظری و مصاحبه‌شوندگان، کدگذاری می‌شوند تا به شکل راحت‌تری شباهت‌ها و تفاوت‌ها شناسایی شوند (زین‌الدین، ۱۳۹۵). مقوله‌های حاصله از کدهای اولیه و مفاهیم در جدول ذیل (جدول شماره ۱) ارائه می‌گردند:

جدول شماره ۱. مقوله‌های نهایی

سیاست امنیتی	دکترین امنیتی	ولایت فقیه
منافع ملی و امنیت ملی	ساختار سیاسی نظام ج.ا.ا	استراتژی (راهبرد) امنیتی
شدت (حساسیت) امنیت	چیستی امنیت	مرجع امنیت
امنیت بالاتر از آب و نان	امنیت از پایه‌ها و ارکان اصلی قوام کشور	پیچیده‌بودن سیاست‌گذاری امنیتی
شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی	رهبران سیاسی	بازیگران سیاسی
جهاد کبیر	امنیت فکری و ذهنی	اتحاد مردم
روحیه جهاد و شهادت	روحیه انقلابی و دینی	ایستادگی و مقاومت
شناخت رهیافت‌های سیاست‌گذاری امنیتی	شناسایی مبانی سیاست‌گذاری امنیتی	نحوه مدیریت و سیاست‌گذاری امنیتی
مدیریت مسائل امنیتی در سطح ملی	پایداری و مقاومت بر اصول انقلاب اسلامی در محیط امنیتی	توجه به آموزه‌های اسلام ناب محمدی در سیاست‌گذاری امنیتی
تامین منافع ملی و امنیت عمومی	بازدارندگی و پاسخ‌گویی موثر به تهدیدها	صیانت از اسلام و آرمان‌های انقلاب
دشمن‌شناسی هوشمندانه	دشمن‌شناسی همه‌جانبه	گسترش صلح و ثبات و امنیت در منطقه
فرهنگ شهادت‌طلبی	ارزش‌های معنوی	اخلاص در عمل و انجام وظیفه بر اساس تکلیف الهی
برنامه‌ریزی و توطئه دشمنان برای اخلال در امنیت ایران	به‌هم‌زدن امنیت ایران، هدف کوتاه‌مدت دشمنان	شناخت‌یابی مسئله امنیتی
فناوری‌های امنیتی	ایدئولوژی	قوت‌ها و ضعف‌ها
دشمنان بالفعل	فرصت‌ها و تهدیدات امنیتی	همسایگان متزلزل امنیتی
دوری از معنویت	غرب‌زدگی	اباحه‌گری و فساد اخلاقی
رشد خرافات	پیدایش فرقه‌های نوظهور	اخلاق و تهذیب
انحراف در سیستم آموزشی	شکاف فرهنگی نسل‌ها	بدعت و سطحی‌نگری

اولویت بالای مسائل امنیتی	تعقیب و تحقق منافع امنیت ملی	رشد نرخ بیکاری
وضعیت جغرافیایی ج.ا.ا	نظام اجتماعی ج.ا.ا	زمینه تاریخی ج.ا.ا
جریان‌های قومی و مذهبی	رضایت‌مندی مردم	جاسوسی و خرابکاری
تفرقه و اختلاف در کارگزاران	تحجر و جمود فکری	رکود علمی و عدم خلاقیت
فساد اداری	ارتشاء، ربا و اختلاس	تجمل‌گرایی و اسراف
عدم نظارت عمومی بر عملکردها	قاچاق موادمخدر	ناهنجاری‌های اخلاقی
قدرت‌طلبی برخی از مسئولین	ضعف مدیریت	باندبازی و رانت‌خواری
درک صحیح از سیاست‌گذاری امنیتی	گفتمان مسلط در سیاست‌گذاری امنیتی	رفتارها و کنش‌های در محیط امنیتی
فرهنگ سیاسی و خصوصیات ملی ج.ا.ا	حساس شدن بخش‌های امنیتی به مسائل و موضوعات	بررسی سناریوهای رقیب در محیط امنیتی
شفافیت نظام سیاسی در محیط امنیتی	توجه به تمامی گزینه‌ها و ملاحظات در مسائل امنیتی	تشکیل مرکز رصد و مسئله‌یابی امنیت
نقش نهادهای موثر در سیاست‌گذاری امنیتی	بررسی سناریوهای رقیب در سیاست‌گذاری امنیتی	صراحت نظام جمهوری اسلامی ایران در اهداف کلان امنیتی
نهادهای و کارکردهای سیاست‌گذاری امنیتی	منازعات و بحران‌های امنیتی داخلی و بین‌المللی	آینده‌نگری در سیاست‌گذاری امنیتی
وابستگی صنایع کلیدی و کشاورزی به بیگانگان	تحركات مشکوک احزاب و جریان‌های سیاسی وابسته	تکثر بی‌رویه احزاب و جریان‌های سیاسی
فشار اقتصادی و مالیاتی به اقشار کم درآمد	طرح‌های سلطه‌طلبانه رژیم صهیونیستی در خاورمیانه	تقویت و گسترش خط نفوذ و استحاله در مراکز حساس نظام
بهره‌گیری از رسانه‌ها در جنگ روانی و تبلیغاتی علیه ایران	جاسوسی سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی بیگانه از کشور	بی‌توجهی به مطالبات مشروع و منطقی و قانونی مردم
ایجاد امنیت اقتصادی از طریق قطع دست دزدان و چپاول‌گران از صحنه اقتصادی کشور	نفوذ چهره‌های امنیتی با هویت‌های علمی، فرهنگی و هنری	نیاز به تحرک بیشتر مسئولین در سه حوزه اقتصاد، امنیت و فرهنگ
موفقیت نیروهای امنیتی در شکست دشمن	لزوم هوشیاری و مراقبت نیروهای امنیتی	امنیت مهم‌ترین داشته‌ی یک ملت
اجر کارهای امنیتی در پیش خداوند	اقتدار جمهوری اسلامی ایران در حوزه امنیتی	امنیت پیش‌نیاز تمامی بخش‌ها

خودکفایی و استقلال اقتصادی	هم‌سویی و همراهی و وحدت ملی	حفظ یکپارچگی نظام سیاسی
تفرقه قومی و مذهبی	انحراف اخلاقی	قانون شکنی
ضعف همستگی و انسجام جمعی	بحران هویت	ایجاد شایعه و پخش آن
ایجاد فتنه و آشوب	ناامن کردن محیط‌های اجتماعی	نارضایتی از وضع موجود
تهاجم فرهنگی دشمن	جلوگیری از سلطه دشمن	احساس بی‌عدالتی توزیعی، نابرابری و تبعیض
امنیت اجتماعی، فرهنگی و مدنی	امنیت اقتصادی و شغلی	هوشیاری و هوشمندی
امنیت اخلاقی	امنیت روانی	امنیت نظامی - انتظامی
امنیت ملی	امنیت منطقه‌ای و جهانی	امنیت قضایی
سرعت واکنش بالا نسبت به تهدیدات امنیتی	سازمان‌دهی تهدیدمحور	قابلیت‌سازی در مسائل امنیتی
نظام‌های بین‌المللی تجاوزگر	تحریم‌های ظالمانه علیه ج.ا.ا	مدیریت زمان (حرکت جلوتر از دشمن و عمل پیش از دشمن)
چالش‌های بسیار و تاثیرگذار بر مباحث امنیتی	متغیرهای تاثیرگذار غیرقابل کنترل بر فضای امنیتی	عدم ایستایی و سکون مباحث امنیتی
سازماندهی عمیق همراه با نظم	تقویت بنیه دفاعی - امنیتی	ناپایدار بودن و سیال بودن مباحث امنیتی
وظیفه دفاع از آرمان‌های بلند انسانی توسط نیروهای نظامی - امنیتی	نقش اساسی و محوری نیروی انسانی در موفقیت‌ها	آمادگی و هوشیاری همیشگی و صددرصدی
استفاده از تمامی ظرفیت‌ها	ایجاد آمادگی و حفظ آن	قابلیت محوری
دفاع در مقابل دخالت قدرت‌ها در امور کشور	وجود عناصر قدرت فراوان	کاهش نقاط ضعف
ایستادگی و بنیان دفاعی قوی	دفاع از تمامیت ارضی و استقلال کشور	ضرورت یاد شهدا و فرهنگ شهادت
حمایت از قیام مستضعفان جهان	عدم‌سازش با ظالمان	دفاع از موجودیت و تمامیت کشور
امنیت ایران همواره آماج دشمنی دشمنان	توسعه سطح نفوذ	مردمی نمودن

۴-۲. کدگذاری محوری

کدگذاری محوری، مرحله دوم تجزیه و تحلیل در نظریه پردازی داده بنیاد است. در کدگذاری باز، داده‌ها خرد و ریز می‌شوند، این امر به محقق اجازه می‌دهد تا مقوله‌ها را شناسایی کند. در کدگذاری محوری همان داده‌ها، دوباره با ایجاد روابط بین مقوله‌ها به نوعی جدید به یکدیگر مرتبط می‌شوند (استراس و همکاران، ۱۳۹۰). مقوله‌های حاصله از کدگذاری باز و دسته‌بندی آن‌ها (کدگذاری محوری) در شش مقوله علی، محوری، محیطی، واسطه‌ای، راهبردی و پیامدی در نمودار ذیل (نمودار شماره ۱) ارائه می‌گردد:



نمودار شماره ۱. الگوی پارادایمی مساله‌شناسی در سیاست‌گذاری امنیتی

۳-۴. کدگذاری انتخابی (مرحله نظریه‌پردازی)

هدف نظریه‌پردازی بنیادی، تولید نظریه است، نه توصیف صرف پدیده. برای تبدیل تحلیل‌ها به نظریه، طبقه‌ها باید به‌طور منظم به یکدیگر مربوط شوند. کدگذاری انتخابی (براساس نتایج دو مرحله قبلی کدگذاری) مرحله اصلی نظریه‌پردازی است. به این ترتیب که طبقه محوری را به شکل نظام‌مند به دیگر طبقه‌ها ربط داده و آن را در چارچوب یک روایت ارائه کرده و طبقه‌هایی را که به بهبود و توسعه بیشتری نیاز دارند، اصلاح می‌کند. در این مرحله پژوهشگر بر حسب فهم خود از متن پدیده مورد مطالعه، یا چارچوب مدل پارادایم را به‌صورت روایتی عرضه می‌کند یا مدل پارادایم را به هم می‌ریزد و به‌صورت ترسیمی نظریه نهایی را نشان می‌دهد (دانایی‌فرد و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۱۸).

مهم‌ترین گام در مرحله کدگذاری انتخابی ترسیم «روایت یا خط داستان» تحقیق است. داستان فقط نقل قولی توصیفی در مورد پدیده اصلی تحت مطالعه است و خط داستان مفهوم این داستان است (دانایی‌فرد، ۱۳۸۳). تبیین این روایت یا خط داستان با استفاده از یادداشت‌های نظری و عملیاتی که محقق طی مراحل مختلف تجزیه و تحلیل داده‌ها تهیه نموده است، انجام می‌شود.

۴-۴. روایت پژوهش

امروزه یکی از اصلی‌ترین وظایف دولت‌ها تامین امنیت در تمامی حوزه‌ها و زمینه‌هاست و سیاست‌گذاری امنیتی که شباهت‌های زیادی با سیاست‌گذاری عمومی دارد به دلیل وسعت مطالب به‌طور مستقل مورد بررسی و مطالعه قرار می‌گیرد، اگرچه می‌توان این بخش را از قلمرو و نظریه امنیتی خارج کرد اما از نگاه یک نظریه جامع امنیتی، اجزای اصلی و مهم سیاست‌گذاری جذاب و قابل توجه است، لذا قابلیت تحلیل این بخش در یک نظریه امنیتی وجود دارد و ناظر بر خط‌مشی‌های حاکم بر روندهای تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در حوزه‌های مرتبط با امنیت ملی است. بدین لحاظ حوزه‌های سیاست داخلی و خارجی و عرصه‌های نظامی، اطلاعاتی، اقتصادی، مدیریتی و حتی فرهنگی و اجتماعی با مقوله سیاست‌گذاری امنیتی ارتباط وثیق می‌یابند.

فرآیند عمومی سیاست‌گذاری امنیتی، یکی از موضوعاتی است که در تمامی کشورها، همزاد

با کشورداری بوده و از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و بسیاری از کشورهای دنیا، اهمیت تعیین این فرآیند را به خوبی درک کرده و با فراهم آوردن شرایط مناسب، جایگاه ویژه‌ای را برای سیاست‌گذاری‌های امنیتی تدارک دیده‌اند، اما نکته اساسی در فرآیند سیاست‌گذاری امنیتی، توجه به ملاحظات امنیتی است که دارای تأثیر مستقیم در این فرآیند می‌باشد. یعنی نخست: امنیت کمتر تعریف پذیر بوده و بیشتر توصیف پذیر است. دوم: امنیت بیشتر از آنکه مربوط به عینیت‌های بیرونی باشد، مربوط به حوزه ادراکی است و مرکز شکل‌گیری و تکوین امنیت در حوزه ادراک و تصورات است. سوم: امنیت موضوعی دفعی نبوده و دفعاً تولید نمی‌شود، بلکه ساختی بوده و طی مراحل انجام می‌شود. به عبارت دیگر؛ امنیت، هم تدریجی است و هم ساختی. همچنین فرآیند عمومی سیاست‌گذاری به معنای عام و سیاست‌گذاری در رابطه با امنیت به طور خاص در تمامی کشورها از ضرورت‌های اجتناب ناپذیر بوده و هست. در همین راستا هر کشوری متناسب با ارزش‌ها، آرمان‌ها، اهداف و مصالح ملی خود، مبادرت به تعیین فرآیندهای لازم و مناسب جهت سیاست‌گذاری امنیتی می‌نماید و در وهله نخست، به دنبال درک مسئله امنیتی، تمرکز بر آن و سپس، یافتن راه‌حل مناسب است. یافتن مسئله و شناخت آن اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا مسئله‌ای که دیده نشود یا نادرسر دیده شود، هر دو در حکم شناخته نشدن است. مسئله‌ای که شناخته نشود، حل نمی‌شود و اگر حل نشود ممکن است به بحران تبدیل شود. مسائل، در ابتدای راه، ممکن است با تمهیداتی ساده و کم‌هزینه حل شود، اما زمانی که به بحران انجامید، حل آن‌ها دشوار و با هزینه بسیار خواهد بود؛ به عبارت دیگر سیاست‌گذاری چرخه یا فرایندی است که یکی از مراحل مهم و به عبارت دیگر مهم‌ترین نقطه آغاز آن، طرح مسأله سیاست‌گذاری می‌باشد؛ بنابراین طرح مسأله امنیتی در سیاست‌گذاری امنیتی نیز همین نقش و جایگاه را بر عهده دارد. مسأله امنیتی مانند سایر مسائل، امری است که بر معضل، مشکل یا نیاز قابل رفع و حل دلالت می‌کند. اهمیت مسأله با اهمیت حوزه مورد بحث تناسب دارد ولی در هر حال در هر حوزه مفروض، مسأله یا مسایل قابل طرح اهمیت قابل توجهی دارند، لذا هر چیزی را نمی‌توان مسأله یک حوزه دانست. بدیهی است حوزه امنیت به ویژه امنیت ملی حاوی اهمیت‌ها و ضرورت‌های بالا و فوق‌العاده می‌باشد و مسأله آن نیز باید با آن تناسب داشته باشد. طرح مسأله امنیتی از جهت دیگر نیز مهم است، زیرا در واقع با طرح مسأله، فرآیند سیاست‌گذاری با تمام هزینه‌ها، دشواری‌ها و پیچیدگی‌هایش آغاز می‌گردد. به همین جهت سیاست‌گذاران تلاش

می‌کنند در انتخاب و طرح مسائل خود دقت کافی بخرج دهند تا از هدر رفتن منابع جلوگیری نمایند.

همان‌طور که بیان گردید، طرح مسأله امنیتی به سادگی امکان‌پذیر نیست بلکه این امر مستلزم توجه به مبانی و ارکان تحلیلی امنیت در هر سیستم می‌باشند. به‌طور مثال، مسأله امنیتی هر واحد مفروض، با ارزش‌ها، آرمان‌ها، مرجع امنیت و تهدیدات آن ارتباط دارد. هر چه ارکان تحلیلی امنیت پیچیده‌تر باشد درک و یافتن مسأله امنیتی نیز پیچیدگی بیشتری پیدا می‌کند و طرح مسأله امنیتی باید به‌گونه‌ای باشد که بتوان بر اساس آن، تصمیمات و راه‌هایی برای حل آن تعیین کرد. تعریف علاوه بر داشتن مشخصه‌های صحت، دقت و وضوح، باید جامع و مانع باشد. در تعریف مسئله، لایه‌های پنهان باید آشکار و تبیین گردد. همچنین، کاستی‌ها، کم‌کاری و یا خطاهای انجام گرفته و به‌عبارتی دلایل و زمینه‌های بروز مسئله نیز آشکار شده و افراد یا مجموعه‌های مرتبط در بروز مسئله و همچنین نقش‌ها و مسئولیت‌های افراد یا مجموعه‌های مرتبط در حل آن مشخص می‌گردد.

در نتیجه‌گیری روایت پژوهش می‌توان بیان نمود که آرمان‌های امنیتی؛ منافع امنیتی؛ اهداف امنیتی؛ سیاست‌های امنیتی و استراتژی‌های امنیتی به‌عنوان علل به‌وجود آورنده مسأله‌شناسی سیاست‌گذاری امنیتی با تاثیرپذیری از محیط راهبردی خارجی (بین‌المللی)؛ بازیگران امنیتی خارجی؛ تهدیدهای امنیتی درونی و تهدیدهای امنیتی بیرونی و همچنین با بسترسازی محیط راهبردی داخلی (ملی)؛ بازیگران امنیتی داخلی؛ هم‌راستایی و هم‌افزایی امنیتی؛ بسترها؛ ساختارها و فرآیندها، در نهایت با شناسایی مبانی و اصول کلی سیاست‌گذاری امنیتی؛ شناخت رهیافت‌های سیاست‌گذاری امنیتی؛ ترسیم مدل محیط آرمانی و مطلوب سیاست‌گذاری امنیتی؛ شناسایی پیشران‌های شناخت مسئله در سیاست‌گذاری امنیتی؛ بسترسازی متناسب مرجع امنیت با رویکرد امنیت‌سازی؛ کالبدشکافی و شناخت‌یابی مسئله امنیتی؛ تحلیل لایه‌ای پدیده‌ها و رخدادهای امنیتی؛ توسعه سطح نفوذ و دوام در محیط امنیتی؛ بازخوانی منافع بازیگران و تحلیل تاثیر متقاطع مولفه‌های امنیتی؛ تحلیل ظرفیت‌ها، کنش‌ها و سنجش قدرت بازیگران امنیتی؛ تدوین و آماده‌سازی شرایط عملکرد موثر مدیریت محیط امنیتی؛ توزیع مزیت‌ها و تحلیل نقاط مرجع امنیتی؛ نهادهای کارگزار امنیت و کارکردهای موثر در محیط امنیتی و مردمی نمودن و حضور مقتدرانه در محیط امنیتی ابزارهایی مناسب برای ایفای نقش، مسئولیت و وظایف

مسئله‌شناسی در سیاست‌گذاری امنیتی ارائه می‌دهند که در نهایت منجر به راهبری و مدیریت در محیط امنیتی، دستیابی به مقاصد امنیتی و در نهایت رضایت‌مندی مردم می‌شود.

۴-۵. کفایت نظری تحقیق

در نظریه مبنایی، یک قاعده کلی وجود دارد و آن این است که نمونه‌گیری را تا موقعی که هر مقوله به اشباع نظری برسد، ادامه می‌دهیم؛ یعنی، تا زمانی که تولید داده‌های جدید متوقف شود، گسترش مقوله‌ها تا آنجا که به عناصر پارادایم مربوط است به غلظت کافی رسیده باشد و در نهایت، روابط بین مقوله‌ها برقرار و تأیید گردند (Glaser & et al, 1961).

اشباع عناصر کلیدی (مفاهیم، مقوله‌ها و کدها) نظریه مسئله‌شناسی در سیاست‌گذاری امنیتی در جدول شماره (۲) نمایش داده شده است.

جدول شماره (۲) فرآیند اشباع نظری عناصر کلیدی نظریه مسئله‌شناسی در سیاست‌گذاری امنیتی

ردیف	نوع مقوله	تعداد مقوله	تعداد مفاهیم و کدهای تحقیق	تعداد کد
۱	علی	۵	۱۱	۲۳
۲	محوری	۱	۱	۱۲
۳	محیطی	۴	۱۳	۲۹
۴	واسطه‌ای	۶	۲۵	۴۹
۵	راهبردی	۱۴	۳۱	۶۵
۶	پیامدی	۳	۱۶	۳۳
جمع	۶	۳۳	۹۷	۲۱۱

بر اساس اطلاعات مندرج در این جدول، ۲۱۱ کد استخراج شده از اسناد بالادستی، مبنایی نظری و مصاحبه‌های صورت‌گرفته، ۹۷ مفهوم و ۳۳ مقوله را تشکیل داده است. سپس در مرحله کشف مقوله‌ها، این مفاهیم در قالب ۳۳ مقوله با محور مشترک، دسته‌بندی و در مرحله کدگذاری محوری، مقوله‌های سی‌وهفت‌گانه، تشکیل ابعاد اصلی الگوی مفهومی اولیه تحقیق را دادند و به این ترتیب نشانه کفایت نظری شامل حداقل شدن ارزش نهایی داده‌های جدید ظاهر گردیده است.

بر اساس روایت پژوهش و ترسیم مدل نظریه مساله‌شناسی در سیاست‌گذاری امنیتی در این قسمت ده قضیه برای پژوهش حاضر مطرح می‌گردد:

(۱) قضیه علی: امروزه مهمترین وظیفه دولت‌ها تامین امنیت در تمامی زمینه‌هاست. سیاست‌گذاری امنیتی ناظر بر خط‌مشی‌های حاکم بر روندهای تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در حوزه‌های مرتبط با امنیت ملی است. بدین لحاظ حوزه‌های سیاست داخلی و خارجی و عرصه‌های نظامی، اطلاعاتی، اقتصادی، مدیریتی و حتی فرهنگی و اجتماعی با مقوله سیاست‌گذاری امنیتی ارتباط وثیق می‌یابند.

(۲) قضیه علی: برای حیات پایدار هر اجتماع، امنیت شرط لازم و به تعبیری دیگر، یک سرمایه تلقی می‌شود و به همین دلیل، شناخت و طراحی منظومه امنیت ملی بر پایه دانش و تفکر صحیح، به کارکردی حیاتی در فرایند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری راهبردی تبدیل شده است. به تعبیر دیگر، تفکر نظام‌مند و دوراندیشی در مورد امنیت و دفاع ملی، یکی از مولفه‌های نظام برنامه‌ریزی راهبردی است که در پرتو آن، پلی از وضعیت حال به آینده‌های کوتاه یا بلندمدت ترسیم می‌گردد. در پرتو شناخت آینده و افق‌های امنیتی است که می‌توان ضمن درک صحیح وضعیت تهدیدها و فرصت‌ها، ظرفیت‌های ملی را به‌منظور تامین اطمینان‌بخش امنیت ملی به‌کار گرفت و تحرک بخشید.

(۳) قضیه علی: جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک نظام حکومتی جوان، که ریشه در تعالیم الهی دارد، در طول عمر خود با چالش‌ها و تهدیدهای امنیتی جدی و گسترده‌ای روبرو بوده است. مواجهه با این تهدیدها نیازمند سطح بالایی از قدرت ملی است. قدرت ملی ترکیبی از مولفه‌های مختلف است که وجود امنیت یکی از ارکان مهم آن به‌شمار می‌رود. از این‌رو، برخورداری از امنیت از جمله اولویت‌های ملی جمهوری اسلامی ایران به‌حساب می‌آید.

(۴) قضیه علی: از مهم‌ترین دغدغه دولت‌ها تلاش برای حفظ امنیت و مقابله با تهدیدات متنوعی است که حیات و بقا و یا توسعه و پیشرفت کشورها را به مخاطره انداخته است. از این‌رو تقویت مولفه‌های قدرت و ارتقای سطح امنیتی از اهم اولویت‌های سیاست‌گذاری دولت‌ها است. سیاست امنیتی در هر دولت، برنامه جامع و مشی کلان عملیاتی در جهت تحقق چنین اهدافی است. تجربه چندین دهه جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی

ایران به واسطه موقعیت ممتاز ژئوپلیتیکی و نیز مشخصات سیاسی و ایدئولوژیک انقلاب اسلامی و نظام سیاسی آن با طیف وسیعی از تهدیدات، سخت، نرم و نیمه سخت روبه رو بوده و از این جهت نیازمند تدوین سیاست امنیتی متناسب با وضعیت جغرافیایی و مبانی، ارزش‌ها و اهداف راهبردی و متغیرهای محیطی و فرامحیطی تاثیرگذار بوده است. در این خصوص، آرمان‌های امنیتی؛ منافع امنیتی؛ اهداف امنیتی؛ سیاست‌های امنیتی و استراتژی‌های امنیتی علت نیاز و دلیل به وجود آورنده مساله‌شناسی سیاست‌گذاری امنیتی محسوب می‌شوند.

(۵) قضیه علی: صراحت نظام جمهوری اسلامی ایران در اهداف کلان امنیتی، وجود منازعات و بحران‌های امنیتی داخلی و بین‌المللی و بررسی سناریوهای رقیب در سیاست‌گذاری امنیتی منجر به حساس شدن بخش‌های نظام به مسائل و موضوعات امنیتی و ترسیم مدل محیط آرمانی و مطلوب سیاست‌گذاری امنیتی شده است که از طریق تشکیل مرکز رصد و مسئله‌یابی امنیت و آینده‌نگری در سیاست‌گذاری امنیتی صورت می‌گیرد.

(۶) قضیه علی: جهانی شدن محیط امنیتی کشورها، روش‌ها و الگوهای سیاست‌گذاری امنیتی دولت‌های مدرن و ملی را تحت تاثیر قرار داده است. سیاست‌گذاری امنیتی ناظر بر خط‌مشی‌های حاکم بر روندهای تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در حوزه‌های مرتبط با امنیت ملی است. بدین لحاظ حوزه‌های سیاست داخلی و خارجی و عرصه‌های نظامی، اطلاعاتی، اقتصادی، مدیریتی و حتی فرهنگی و اجتماعی با مقوله سیاست‌گذاری امنیتی ارتباط وثیق می‌یابند. در واقع امنیت کلاً امری سیاسی است و معمولاً ویژگی‌های امنیت سیاسی همان ویژگی‌های کلی خواهد بود، زیرا همه انواع امنیت، سیاسی هستند.

(۷) قضیه زمینه‌ای: اقتضانات جمهوری اسلامی ایران و بالطبع وجود محیط راهبردی خارجی (بین‌المللی)، بازیگران امنیتی خارجی، تهدیدهای امنیتی درونی و بیرونی، شرایط محیطی را برای مساله‌شناسی در سیاست‌گذاری امنیتی فراهم می‌نماید.

(۸) قضیه واسطه‌ای: محیط راهبردی داخلی (ملی)؛ بازیگران امنیتی داخلی؛ هم‌راستایی و هم‌افزایی امنیتی؛ بسترها، ساختارها و فرایندها عوامل درونی و قابل کنترل هستند که بر راهبردهای مساله‌شناسی در سیاست‌گذاری امنیتی تاثیرگذار می‌باشند.

(۹) قضیه راهبردی: شناسایی مبانی و اصول کلی سیاست‌گذاری امنیتی؛ شناخت رهیافت‌های سیاست‌گذاری امنیتی؛ ترسیم مدل محیط آرمانی و مطلوب سیاست‌گذاری امنیتی؛

شناسایی پیشران‌های شناخت مسئله در سیاست‌گذاری امنیتی؛ بسترسازی متناسب مرجع امنیت با رویکرد امنیت‌سازی؛ کالبدشکافی و شناخت‌یابی مسئله امنیتی؛ تحلیل لایه‌ای پدیده‌ها و رخدادهای امنیتی؛ توسعه سطح نفوذ و دوام در محیط امنیتی؛ بازخوانی منافع بازیگران و تحلیل تاثیر متقاطع مولفه‌های امنیتی؛ تحلیل ظرفیت‌ها، کنش‌ها و سنجش قدرت بازیگران امنیتی؛ تدوین و آماده‌سازی شرایط عملکرد موثر مدیریت محیط امنیتی؛ توزیع مزیت‌ها و تحلیل نقاط مرجع امنیتی؛ نهادهای کارگزار امنیت و کارکردهای موثر در محیط امنیتی و مردمی نمودن و حضور مقتدرانه در محیط امنیتی ابزارها و سازوکارهایی هستند که موجب مساله‌شناسی در سیاست‌گذاری امنیتی می‌باشند و برای سیاست‌گذاری امنیتی به آن‌ها نیاز دارد.

(۱۰) قضیه پیامدی: مساله‌شناسی در سیاست‌گذاری امنیتی و اعمال سیاست‌گذاری امنیتی موجب راهبری و مدیریت در محیط امنیتی؛ دستیابی به مقاصد امنیتی و در نهایت رضایت‌مندی مردم می‌شود.

نتیجه‌گیری

از مجموعه آنچه که ارائه شده، می‌توان برداشت کرد که امروزه مهم‌ترین وظیفه دولت‌ها تامین امنیت در تمامی زمینه‌هاست و سیاست‌گذاری امنیتی که شباهت‌های زیادی با سیاست‌گذاری عمومی دارد به دلیل وسعت مطالب به‌طور مستقل مورد بررسی و مطالعه قرار می‌گیرد، اگرچه می‌توان این بخش را از قلمرو و نظریه امنیتی خارج کرد اما از نگاه یک نظریه جامع امنیتی، اجزای اصلی و مهم سیاست‌گذاری جذاب و قابل توجه است، لذا قابلیت تحلیل این بخش در یک نظریه امنیتی وجود دارد و ناظر بر خط‌مشی‌های حاکم بر روندهای تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در حوزه‌های مرتبط با امنیت ملی است. بدین لحاظ حوزه‌های سیاست داخلی و خارجی و عرصه‌های نظامی، اطلاعاتی، اقتصادی، مدیریتی و حتی فرهنگی و اجتماعی با مقوله سیاست‌گذاری امنیتی ارتباط وثیق می‌یابند.

فرآیند عمومی سیاست‌گذاری امنیتی، یکی از موضوعاتی است که در تمامی کشورها، هم‌زاد با کشورداری بوده و از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و بسیاری از کشورهای دنیا، اهمیت تعیین این فرآیند را به‌خوبی درک کرده و با فراهم آوردن شرایط مناسب، جایگاه ویژه‌ای را برای سیاست‌گذاری‌های امنیتی تدارک دیده‌اند، اما نکته اساسی در فرآیند سیاست‌گذاری امنیتی،

توجه به ملاحظات است که دارای تأثیر مستقیم در این فرآیند می‌باشد. یعنی نخست: امنیت کمتر تعریف پذیر بوده و بیشتر توصیف پذیر است. دوم: امنیت بیشتر از آنکه مربوط به عینیت‌های بیرونی باشد، مربوط به حوزه ادراکی است و مرکز شکل‌گیری و تکوین امنیت در حوزه ادراک و تصورات است. سوم: امنیت موضوعی دفعی نبوده و دفعتاً تولید نمی‌شود، بلکه ساختی بوده و طی مراحل انجام می‌شود. به عبارت دیگر؛ امنیت، هم تدریجی است و هم ساختی. همچنین فرآیند عمومی سیاست‌گذاری به معنای عام و سیاست‌گذاری در رابطه با امنیت به طور خاص در تمامی کشورها از ضرورت‌های اجتناب ناپذیر بوده و هست. در همین راستا هر کشوری متناسب با ارزش‌ها، آرمان‌ها، اهداف و مصالح ملی خود، مبادرت به تعیین فرآیندهای لازم و مناسب جهت سیاست‌گذاری امنیتی می‌نماید و در وهله نخست، به دنبال درک مسئله امنیتی، تمرکز بر آن و سپس، یافتن راه‌حل مناسب است. یافتن مسئله و شناخت آن اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا مسئله‌ای که دیده نشود یا نادرست دیده شود، هر دو در حکم شناخته نشدن است. مسئله‌ای که شناخته نشود، حل نمی‌شود و اگر حل نشود ممکن است به بحران تبدیل شود. مسائل، در ابتدای راه، ممکن است با تمهیداتی ساده و کم‌هزینه حل شود، اما زمانی که به بحران انجامید، حل آن‌ها دشوار و با هزینه بسیار خواهد بود؛ به عبارت دیگر سیاست‌گذاری چرخه یا فرایندی است که یکی از مراحل مهم و به عبارت دیگر مهم‌ترین نقطه آغاز آن، طرح مسأله سیاست‌گذاری می‌باشد؛ بنابراین طرح مسأله امنیتی در سیاست‌گذاری امنیتی نیز همین نقش و جایگاه را بر عهده دارد. مسأله امنیتی مانند سایر مسائل، امری است که بر معضل، مشکل یا نیاز قابل رفع و حل دلالت می‌کند. اهمیت مسأله با اهمیت حوزه مورد بحث تناسب دارد ولی در هر حال در هر حوزه مفروض، مسأله یا مسایل قابل طرح اهمیت قابل توجهی دارند، لذا هر چیزی را نمی‌توان مسأله یک حوزه دانست. بدیهی است حوزه امنیت به ویژه امنیت ملی حاوی اهمیت‌ها و ضروریت‌های بالا و فوق‌العاده می‌باشد و مسأله آن نیز باید با آن تناسب داشته باشد. طرح مسأله امنیتی از جهت دیگر نیز مهم است، زیرا در واقع با طرح مسأله، فرآیند سیاست‌گذاری با تمام هزینه‌ها، دشواری‌ها و پیچیدگی‌هایش آغاز می‌گردد. به همین جهت سیاست‌گذاران تلاش می‌کنند در انتخاب و طرح مسائل خود دقت کافی بخرج دهند تا از هدر رفتن منابع جلوگیری نمایند.

در نتیجه‌گیری روایت پژوهش می‌توان بیان نمود که آرمان‌های امنیتی؛ منافع امنیتی؛ اهداف

امنیتی؛ سیاست‌های امنیتی و استراتژی‌های امنیتی به‌عنوان علل به‌وجود آورنده مسأله‌شناسی سیاست‌گذاری امنیتی با تاثیرپذیری از محیط راهبردی خارجی (بین‌المللی)؛ بازیگران امنیتی خارجی؛ تهدیدهای امنیتی درونی و تهدیدهای امنیتی بیرونی و همچنین با بسترسازی محیط راهبردی داخلی (ملی)؛ بازیگران امنیتی داخلی؛ هم‌راستایی و هم‌افزایی امنیتی؛ بسترها؛ ساختارها و فرآیندها، در نهایت با شناسایی مبانی و اصول کلی سیاست‌گذاری امنیتی؛ شناخت رهیافت‌های سیاست‌گذاری امنیتی؛ ترسیم مدل محیط آرمانی و مطلوب سیاست‌گذاری امنیتی؛ شناسایی پیشران‌های شناخت مسئله در سیاست‌گذاری امنیتی؛ بسترسازی متناسب مرجع امنیت با رویکرد امنیت‌سازی؛ کالبدشکافی و شناخت‌یابی مسئله امنیتی؛ تحلیل لایه‌های پدیده‌ها و رخدادهای امنیتی؛ توسعه سطح نفوذ و دوام در محیط امنیتی؛ بازخوانی منافع بازیگران و تحلیل تاثیر متقاطع مولفه‌های امنیتی؛ تحلیل ظرفیت‌ها، کنش‌ها و سنجش قدرت بازیگران امنیتی؛ تدوین و آماده‌سازی شرایط عملکرد موثر مدیریت محیط امنیتی؛ توزیع مزیت‌ها و تحلیل نقاط مرجع امنیتی؛ نهادهای کارگزار امنیت و کارکردهای موثر در محیط امنیتی و مردمی نمودن و حضور مقتدرانه در محیط امنیتی ابزارهایی مناسب برای ایفای نقش، مسئولیت و وظایف مسأله‌شناسی در سیاست‌گذاری امنیتی ارائه می‌دهند که در نهایت منجر به راهبری و مدیریت در محیط امنیتی، دستیابی به مقاصد امنیتی و در نهایت رضایت‌مندی مردم می‌شود.

به همین دلیل طراحی و تدوین الگوی مسأله‌شناسی در سیاست‌گذاری امنیتی مبتنی بر منظومه فکری رهبر معظم انقلاب اسلامی ضمن بیان ابعاد، مولفه‌ها و نشانگرها، راهکارهای کاربردی به‌منظور ایفای نقش مطلوب و راهبردی‌تر را بیان می‌نماید.

همچنین با توجه به لزوم مسأله‌شناسی در سیاست‌گذاری امنیتی، به‌گونه‌ای جدید نظریه بومی مسأله‌شناسی در سیاست‌گذاری امنیتی مبتنی بر منظومه فکری رهبر معظم انقلاب اسلامی طراحی و ارائه شده است. به این ترتیب دست کم دو دلیل عمده برای تدوین این رساله وجود دارد:

دلیل اول لزوم بهره‌گیری از بیانات، نامه‌ها، احکام و فرامین رهبری در جهت راهیابی به الگوی مسأله‌شناسی در سیاست‌گذاری امنیتی که مرجع فکری این موضوع هستند.

دلیل دوم فقدان نظریه و الگوی مدون برای مسأله‌شناسی در سیاست‌گذاری امنیتی که در حال حاضر الگوی بومی تبیین نشده و این الگو زمینه‌ساز تولید دانش بومی تعامل راهبردی مبتنی بر اندیشه‌ها و دیدگاه‌های رهبری انقلاب اسلامی است. با این الگو امکان اهتمام ملی و راهبردی

برای مسأله‌شناسی در سیاستگذاری امنیتی در نظام جمهوری اسلامی ایران فراهم خواهد شد. در این راستا، بیانات و رهنمودهای حضرت امام خمینی (رحمه‌الله‌علیه) و امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در حوزه موضوع تحقیق را محقق به روش تمام‌شمار مطالعه و با ۲۰ نفر از نخبگان و صاحب‌نظران موضوع تحقیق مصاحبه نموده است. متن‌های مکتوب موجود و مصاحبه‌های صورت گرفته پس از تحلیل، به شیوه مندرج در فصل سوم تبیین و تجزیه و تحلیل فصل چهارم با روش استقرایی در کنار یکدیگر قرار گرفته است. نکات مرتبط با موضوع تحقیق از پاراگراف‌های منتخب، به شیوه جزء به جزء (کلمه به کلمه و خط به خط)، در قالب «کد» استخراج گردیده و کدهای مشترک، تشکیل «مفهوم» و مفاهیم مشترک، تشکیل «مقوله» را داده‌اند. سپس به صورت رفت و برگشتی، کدها، مفاهیم و مقوله‌های ایجاد شده، مورد بازنگری قرار گرفت تا در نهایت محقق به اشباع نظری رسید. در پایان این مرحله که به کدگذاری باز مرسوم است؛ تعداد ۲۱۱ کد باز ایجاد گردید. از تلفیق آن‌ها تعداد ۹۷ مفهوم و از تلفیق مفاهیم، تعداد ۳۳ مقوله در شش دسته؛ علی، محوری، مداخله‌ای، محیطی، راهبردی و پیامدی مرتب دسته‌بندی شدند. مقوله‌های علی در الگوی پارادایمی، شرایط مقدم را تشکیل و پنج مقوله (۱) آرمان‌های امنیتی؛ (۲) منافع امنیتی؛ (۳) اهداف امنیتی؛ (۴) سیاست‌های امنیتی و (۵) استراتژی‌های امنیتی با این عنوان در الگو قرار گرفت. به همین ترتیب مقوله‌های محیطی شامل چهار مقوله؛ (۱) محیط راهبردی خارجی (بین‌المللی)؛ (۲) بازیگران امنیتی خارجی؛ (۳) تهدیدهای امنیتی درونی و (۴) تهدیدهای امنیتی بیرونی؛ مقوله‌های مداخله‌ای شامل شش مقوله (۱) محیط راهبردی داخلی (ملی)؛ (۲) بازیگران امنیتی داخلی؛ (۳) هم‌راستایی و هم‌افزایی امنیتی؛ (۴) بسترها؛ (۵) ساختارها و (۶) فرآیندها و مقوله‌های راهبردی شامل چهارده مقوله (۱) شناسایی مبانی و اصول کلی سیاست‌گذاری امنیتی؛ (۲) شناخت رهیافت‌های سیاست‌گذاری امنیتی؛ (۳) ترسیم مدل محیط آرمانی و مطلوب سیاست‌گذاری امنیتی؛ (۴) شناسایی پیشران‌های شناخت مسئله در سیاست‌گذاری امنیتی؛ (۵) بسترسازی متناسب مرجع امنیت با رویکرد امنیت‌سازی؛ (۶) کالبدشکافی و شناخت‌یابی مسئله امنیتی؛ (۷) تحلیل لایه‌ای پدیده‌ها و رخدادهای امنیتی؛ (۸) توسعه سطح نفوذ و دوام در محیط امنیتی؛ (۹) بازخوانی منافع بازیگران و تحلیل تاثیر متقاطع مولفه‌های امنیتی؛ (۱۰) تحلیل ظرفیت‌ها، کنش‌ها و سنجش قدرت بازیگران امنیتی؛ (۱۱) تدوین و آماده‌سازی شرایط عملکرد موثر مدیریت محیط امنیتی؛ (۱۲) توزیع مزیت‌ها و تحلیل

نقاط مرجع امنیتی؛ (۱۳) نهادهای کارگزار امنیت و کارکردهای موثر در محیط امنیتی و (۱۴) مردمی نمودن و حضور مقتدرانه در محیط امنیتی و بالاخره مقوله‌های پیامدی شامل سه مقوله (۱) راهبری و مدیریت در محیط امنیتی؛ (۲) دستیابی به مقاصد امنیتی و (۳) رضایت‌مندی مردم حول پدیده محوری "مساله‌شناسی در سیاست‌گذاری امنیتی" قرار گرفت.

پیشنهادها

۱. سازمان‌های امنیتی رهیافت‌های تحقیق را در برنامه‌های سالیانه مساله‌شناسی خود لحاظ نماید.
۲. قابل بهره‌برداری به‌عنوان متون آموزشی برای «دانشگاه امام محمد باقر (علیه السلام)»، «دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی» و «دانشگاه امام حسین (علیه السلام)».
۳. بهره‌گیری از نتایج پژوهش حاضر به‌منظور کاربردی نمودن آن و ارزیابی سازمان‌های امنیتی در «مرکز مطالعاتی ابرار معاصر».
۴. بهره‌گیری از نتایج پژوهش حاضر در سازمان‌های امنیتی جمهوری اسلامی ایران به‌منظور اجرا و کاربردی آن در سازمان مدنظر.
۵. پژوهشگران آتی می‌توانند میزان تأثیر هر یک ابعاد و عوامل الگوی مساله‌شناسی در سیاست‌گذاری امنیتی مورد آزمون قرار گیرد.
۶. بر اساس یافته‌های پژوهش، محققان راهبردهای 'مساله‌شناسی در سیاست‌گذاری امنیتی را احصاء نمایند.

۱. منظور راهبردهای مورد نظر در مدیریت راهبردی است، که راهبردها نتیجه بررسی عوامل محیطی به کمک تهدیدات، فرصت‌ها، (عوامل خارجی)، ضعف‌ها و قوت‌ها (عوامل داخلی) است.

منابع

۱. برزگر، کیهان و رضایی، مسعود (۱۳۹۵). «راهبرد دفاعی ایران از منظر آیت الله خامنه‌ای»، راهبرد دفاعی، دوره ۱۹، شماره ۷۴، زمستان، صص ۳۳-۷.
۲. پارسونز؛ واین (۱۳۸۵). مبانی سیاست‌گذاری عمومی و تحلیل سیاست‌ها، ج ۲، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۳. تهامی، سید مجتبی (۱۳۷۶). امنیت ملی، دکترین و سیاست‌های دفاعی و امنیتی، ج ۱، چاپ دوم، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
۴. حبیب زاده قاسم (۱۳۹۸). «ابعاد امنیت از منظر امام خامنه‌ای (مدظله العالی)»، امنیت ملی، دوره ۹، شماره ۳۱، صص ۳۲-۷.
۵. رضائیان، علی (۱۳۶۹). اصول مدیریت، تهران: سمت.
۶. رضوی نژاد، سید امین؛ ملک محمدی، حمیدرضا (۱۳۹۷). «درآمدی تحلیلی بر مسئله شناسی در سیاست‌گذاری امنیتی»، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۸، شماره ۲۷، تابستان، صص ۲۹۶-۲۷۹.
۷. رضوی نژاد، سید امین (۱۳۹۹). سیاست‌گذاری امنیت داخلی: طراحی مدل مطلوب جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات مرکز منطقه‌ای اطلاع‌رسانی علوم و فناوری.
۸. شافریتز، جی. ام و کریستوفر پی. بریک (۱۳۹۰). سیاست‌گذاری عمومی در ایالات متحده آمریکا، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۹. شولتز، ریچارد و دیگران (۱۳۹۴). رویکردهای جدید در مطالعات امنیتی، ترجمه ی سید محمد علی متقی نژاد، جلد دوم، چاپ سوم، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۰. شیدائیان، حسین (۱۳۸۸). «امنیت ملی از منظر امام و مقام معظم رهبری»، فصلنامه حصون، شماره ۱۹.
۱۱. غرایاق‌زندی، داود (۱۳۹۰). درآمدی بر سیاست‌گذاری امنیت ملی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۲. موسوی، سید سعید؛ نباتیان، محمداسماعیل؛ کلانتری، ابراهیم و حق‌گو، جواد (۱۳۹۹). «مرجع امنیت ملی در اندیشه‌ی فقهی آیت‌الله خامنه‌ای»، شماره ۳۳، تابستان، صص ۱۵۳-۱۳۱.

۱۳. هلد، دیوید (۱۳۶۷). مدل‌های دموکراسی، ترجمه عباس مخبر، تهران: نشر روشنگران.

14. Glaser, B.G and Strauss, A.L (1991). The Discovery of Grounded theory: Strategies for Qualitative Research, New York York :Aldine de Gruyter.

15. Manis, Jerome G (1974). Assessing the Seriousness of Social Problems, Social Problems, Volume 22, Issue 1, 1 October, Pages 1-15, <https://doi.org/10.2307/799563>.

16. Roger W.Cobb, Charles Elder (1984). Agenda Building, in policy studies Journal, vol. 13. No 1. Sep 1984. Pp 115-129.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی